نظام اعتباری، فضای کسب‌وکار، محدودیت‌ها و چالش‌ها

دکتر علی حسن‌زاده[G]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۴/۱ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۸۸/۵/۱۶

چکیده

تأمین مالی به عنوان یکی از محورهای اصلی در شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی در هر اقتصادی محسوب می‌گردد. نهادهای اعتباری نظیر بانک‌ها و مؤسسات مالی به عنوان بازیگران این عرصه نقش‌آفرینان و فراهم‌کنندگان فضای مساعد برای این مهم محسوب می‌گردند، چرا که آنان به عنوان واسطه‌گران مالی، از طریق کاهش هزینه‌های مبادلاتی، ایجاد سهولت در دسترسی به منابع سرمایه‌ای برای مدیران و سرمایه‌گذاران علاوه بر رونق بخشیدن به فعالیت‌ها و ارتقای اقتصاد داخلی، زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم خواهند نمود. علی‌رغم رودررویی نظام بانکی کشور با تحولات مهم بعد از پیروزی انقلاب، تحمیل وظایف چندگانه و متضاد با روح فعالیت‌های بانک‌ها، به عنوان یک نهاد و مؤسسه اقتصادی، نظام بانکی کشور را از وظایف اصلی خود یعنی تعیین پس‌اندازها و

---

* معاون پژوهشی و عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. .

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

تخصیص بهینه آن دور نموده و نقش این نهاد را به عنوان یک نقش‌آفرین محوری در عرصه توسعه و نوسازی اقتصاد کشور بسیار کمرنگ نموده است. از دلایل این امر می‌توان به دیوان‌سالاری به هم تنیده و پرپیچ وخم و بار سنگین قوانین و مقررات نامساعد و اضافی در نظام بانکی کشور که سادگی، سهولت، و شفافیت و ثبات سرمایه‌گذاری در کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد اشاره نمود. لذا در این مقاله سعی می‌گردد ضمن اشاره به جایگاه، ساختار و ویژگی‌های نظام اعتباری کشور، تنگناهای قانونی و عملی نظام اعطای تسهیلات و اعتباردهی ارزیابی گردد و راهکارهای مناسب، جهت انجام اصلاحات ساختاری و ایجاد شرایط مساعد در این بخش، به عنوان یکی از محوری‌ترین عرصه‌های بهبود فضای کسب و کار کشور، ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: نهادهای اعتباری، فضای کسب و کار، هزینه‌های مبادلاتی، شفاف‌سازی مقررات، اصلاحات ساختاری

طبقه‌بندی JEL : G21, E02, D23, M48, P21

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

۱. مقدمه

تجربیات بسیاری از کشورهای جهان نشان می‌دهد کـه اصـلاحات سـاختاری در نظـام مالی و تأمین اعتبار پیامدهای مثبت و قابل تـوجهی نظیـر افـزایش متناسـب پـس‌انـداز و سرمایه‌گذاری بیشتر و کارآمدتر و نهایتاً بهبود فضای کسب و کار و توازن اقتصادی در ایـن کشورها داشته است. مقررات‌زدایی به عنوان اصـلی‌تـرین محـور اصـلاحات در ایـن بخـش محسوب می‌گردد. نظام بانکی کشور در سال‌های بعد از انقلاب، تغییرات ساختاری فراوانـی ـ از جمله دولتی شدن و پس از آن تجربه نوین پیـروی از قـانون بانکـداری بـدون ربـا ـ را پشت سر گذاشت. مقتضیات دوران جنگ نیز آثار خاص خود را بر نظام بانکی تحمیل نمود و از سال ۱۳۸۰ شروع برنامه‌های آزادسازی و وارد شدن بخش خصوصی به عرصـه بـانکی، صنعت بانکی و نظام اعتباری کشور را در آستانه تجربه‌های جدید، یعنی رقابت‌پذیری قـرار داد. مع‌هذا محدودیت‌های مقرراتی، ناشی از قوانین دست و پاگیر متـأثر از دیـوان‌سـالاری دولتی و حجم گسترده‌ای از مقررات اضافی و زائد در نظام بانکی کشور از سرعت این تحول کاسته است. لذا کاهش بار مقررات زائد، می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌هـای مبـادلاتی بـرای متقاضیان استفاده از منابع سرمایه‌ای، شرایط و فضای مساعدتری را برای توسـعه و بهبـود کسب و کار در کشور مهیا نماید.

۲. مقررات‌زدایی پیش‌نیاز اولیه در توسعه فضای کسب و کار

به طور کلی هر چند دخالت دولت در اقتصاد در شرایط شکست بازار مورد پذیرش قرار می‌گیرد ولی از سوی دیگر، بسیاری از کارشناسان بر این اعتقادند که اصولاً این دخالت بـر مبنای هزینه ـ فایده صورت نمی‌گیرد و اغلب دلایل اجتماعی و سیاسی در این امر دخیـل هستند.

از سوی دیگر، به دلیل وجود اطلاعات نامتقارن[1] میان حکمرانان و نهادهـای اقتصـادی خصوصی همواره تصمیمات اخذ شده در اجرا، با مشکلات متعددی مواجه می‌گردد.

از سوی دیگر، مشکلات دیگری نیز وجود دارد که همواره کارآیی قوانین را بـه چـالش می‌کشد. عدم باورپذیری[2] و عدم شفافیت از موارد قابل توجه در این راستا می‌باشد.

---

[1]- Asymetric information.
[2]- Incredibility.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

لازم به ذکر است وضع مقررات و ماهیت انعطاف‌پذیر بسیاری از مقررات و قوانین، نیاز دائم به تغییرات ساختاری در مقررات و سازمان‌های دولتی را ایجاد می‌کند که هزینه‌های خاص خود را بر جامعه تحمیل می‌سازد. در این زمینه، نظریهٔ «توسعه نهادی نظام کسب و کار» که توسط وبلِن ارائه شده، بسیار حائز اهمیت است.

به علاوه، ملاحظات سیاسی نیز عمدتاً موجب عدم کارآیی در دسترسی به اهداف ناشی از وضع مقررات اقتصادی و در نتیجه، فساد اداری می‌شوند، چرا که وضع مقررات منجر به توزیع مجدد عواید و رانت‌ها می‌گردد و اغلب سیاستمداران از این موضوع برای تضمین موفقیت‌ها و کامیابی‌های سیاسی خود ـ و نه تصحیح موارد مربوط به شکست بازار ـ استفاده می‌کنند. از آنجا که هزینهٔ وضع برخی مقررات، نظیر: سهمیه‌ها، امتیازات، و یا سوبسیدها برای هر یک از افراد جامعه نسبتاً پایین است؛ و یا در بسیاری از موارد، افراد قدرت تشخیص این هزینه‌ها را به طور ملموس ندارند، انگیزهٔ کمی در جهت متشکل کردن و قوت بخشیدن به اقداماتشان جهت مقابله با چنین مقرراتی وجود خواهد داشت؛ لذا همین امر موجب گسترش زمینه‌های فساد و رانت‌جویی خواهد بود. به علاوه، معمولاً قانون‌گذاران و دیوانسالاران به طور طبیعی تمایل دارند که مقررات را بدون دلیل، پیچیده بنویسند. این پیچیدگی به آنها قدرت بیشتر اعطا خواهد کرد؛ چرا که درک این قوانین و مصادیق خاص و عام آن برای افراد عادی مشکل خواهد شد، و به راحتی می‌توان از این پیچیدگی در جهت منافع گروه‌ها و افراد خاص بهره‌برداری نمود.

به طور خلاصه می‌توان گفت که وضع مقررات به تنهایی رفاه مصرف‌کننده را افزایش نخواهد داد؛ بلکه این امر وابسته به آن است که: مقررات، چگونه طراحی شده، با چه شیوه‌ای اجرا شوند و مسائل خاص به وجود آمده، چگونه حل شوند. اما در مجموع، می‌توان گفت که وضع مقررات، هزینه‌های کسب و کار را افزایش داده و این هزینه‌ها، مکرراً در بین مصرف‌کنندگان به صورت افزایش قیمت بروز می‌کند و نهایتاً منجر به کاهش رفاه آنان و رقابت در اقتصاد خواهد شد. به این ترتیب، می‌توان به دو نتیجهٔ کلی دست یافت: یکی آنکه، وضع مقررات در بسیاری از موارد آخرین راه حل ممکن می‌باشد؛ و دیگر آنکه، استدلال‌های بیان شده در بالا می‌تواند بسیاری از طرح‌های مقررات‌زدایی را توجیه‌پذیر نماید.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

۳. نظام تأمین مالی در تعامل با توسعه فضای کسب‌وکار

تأمین مالی از طریق نظام اعتباری همواره به عنوان یکی از محوری‌ترین عوامل رشد و توسعه می‌باشد، به طوری که در اکثریت کشورهای جهان، فعالین اقتصادی محدودیت‌های تأمین مالی و دسترسی به بازارهای اعتباری را به عنوان بزرگترین مانع در جریان فعالیت‌های اقتصادی و رشد خود نام می‌برند. بر اساس آخرین گزارش بانک جهانی پیرامون رتبه‌بندی کشورها بر اساس فضای کسب‌وکار، کشور ایران از بُعد شاخص اخذ اعتبار و حمایت از سرمایه‌گذاران از رتبه مناسبی در میان سایر کشورهای جهان برخوردار نبوده است، به طوری که در مورد شاخص اول رتبه ایران در سال ۲۰۰۸ میلادی، هفتاد و پنجم و در سال ۲۰۰۹ پیش‌بینی می‌شود که به رتبه هشتاد و چهارم تنزل یابد. همچنین از منظر شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران، این رتبه در سال ۲۰۰۸ یکصد و بیست و یکم و در سال ۲۰۰۹ پیش‌بینی می‌گردد که به رتبه یکصد و شصت و چهارم تنزل یابد. وجود چنین فضایی ناشی از دلایل و شرایط متعددی می‌باشد، معهذا شرایط مقرراتی نظام بانکی که برگرفته از قوانین و مقررات پیچیده که تشتت و جهت‌گیری‌های متفاوتی را ایجاد می‌نماید به همراه تعدد تبصره‌ها و لوایح قانونی در قالب بودجه‌های سنواتی و بخش‌نامه‌های تحمیلی به نظام بانکی، از مهمترین این عوامل محسوب می‌گردد. تحمیل این ساختار نامساعد عارضه خاص خود را بر نظام بانکی داشته است به طوری که بانک‌ها به عنوان مؤسسات انتفاعی بین وظیفه اصلی خود (سودآوری از طریق جمع‌آوری سپرده‌ها و اعطای اعتبار) و وظیفه جبری خود یعنی ابزار تأمین مالی دولت دچار سردرگمی شده‌اند.

- عدم توجه به ارزیابی هزینه ـ فایده مقررات جدید و صرفاً توجه به نیازهای آتی و فوریت، مقررات را کاملاً ناکارآمد نموده است و صرفاً باعث محدود نمودن عملکرد مدیران و حتی عدم شفافیت و مبهم بودن فعالیت‌های اقتصادی گردیده است.
- توجه به رفع نیازهای مقطعی در تدوین مقررات، درجه باورپذیری چهارچوب مقرراتی را کاهش داده و حتی منجر به تشتت قوانین و بروز قوانین متضاد در نظام اعتباری گشته است.

۴. ویژگی‌ها و عملکرد نظام بانکی کشور طی سال‌های اخیر

مروری بر بعضی شاخص‌های اصلی عملکرد نظام بانکی کشور، نظیر: نرخ سود

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

تسهیلات اعطایی، بدهی بخش‌های دولتی و غیردولتی به بانک‌های تجاری و تخصصی، وضعیت عملکرد تبصره‌های تکلیفی، نحوهٔ تخصیص اعتبارات به بخش‌های دولتی، وضعیت تسهیلات اعطایی در قالب عقود مختلف، و نرخ سود و وضعیت جذب سپرده‌ها، می‌تواند برخی ویژگی‌های ساختاری نظام بانکی کشور را (که می‌توان از آنها به عنوان تنگناهای فضای کسب و کار حاکم بر این صنعت و از دلایل توسعه نیافتگی نظام اعتباری کشور یاد کرد) توضیح دهد.

به بیان دیگر تمرکز این ساختار بر مالکیت و مدیریت دولتی، وجود قوانین و مقررات، پیچیده و ساختار غیررقابتی از ویژگی‌های بارز این نظام و یا به عبارتی محدودیت‌های توسعه بهبود و فضای کسب‌وکار کشور می‌باشد، که در ذیل به طور مشروح به آن خواهیم پرداخت.

طی سه دهه اخیر، دولت‌ها همواره سعی نموده‌اند از تا از طریق تخصیص اعتبارات توسط نظام بانکی و نظام بانک مرکزی ج.ا.ا. ، بخش‌های ناکارآمد دولتی را مورد حمایت قرار دهند. بدیهی است که چنین وضعیتی، در کنار توزیع اعتبارات بین بخش‌های غیردولتی و تعیین سقف‌های اعتباری در این بخش، اعطای تسهیلات را ـ که مهمترین محل کسب درآمد بانک‌ها می‌باشد ـ با مشکلات اساسی مواجه نموده است. از سوی دیگر، پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ سود سپرده‌ها نیز بانک‌ها را در تجهیز منابع با مشکلات مواجه می‌سازد و چنین شرایطی، دور باطلی را ترسیم می‌نماید که بانک‌ها را مجبور به استقراض از بانک مرکزی نموده، که نتیجه این امر، ساختار مالی نامناسب، حجم بالای مطالب معوق و تخصیص غیربهینه اعتبارات خواهد بود.

دولتی بودن مؤسسات سبب می‌شود که مقررات آنها، به دلیل محافظه‌کاری و کسب اطمینان از صحّت عمل آنها، یکنواخت و انعطاف‌ناپذیر باشد و حتی بدون انجام یک تحلیل هزینه ـ فایده مقدماتی وضع گردد. معمولاً، در کشور ما نیز به همین دلیل بانک‌ها بسیار کُند و محافظه کارآنه عمل می‌کنند؛ به نحوی که اعطای وام بسیار وقت‌گیر و درگیر مراحل اداری پیچیده است. غالباً مدیریت بانک‌ها اختیارات محدودی را در زمینهٔ طرح‌ریزی عملیات، آموزش نیروی انسانی و انعطاف‌ناپذیری در اجرای قوانین دارند.

۵. ارزیابی تنگناها و محدودیت‌های نظام اعتباری کشور در توسعه فضای کسب‌وکار

همان‌طور که اشاره گردید ساختار مقرراتی نظام بانکی کشور، بر گرفته از قوانین

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

فراوانی است که تشتت و جهت‌گیری‌های متفاوتی در آن به چشم می‌خورد. افزون بر آن، بسیاری از تبصره‌ها و لایحه‌های قانونی، هر ساله در قالب بودجه‌های سنواتی به صورت بخش‌نامه‌های متعدد بر نظام بانکی تحمیل گردیده است که همه به عنوان موانع و محدودیت‌های دسترسی کارآفرینان و بخش خصوصی فعال برای بهره‌برداری از نظام اعتباری کشور و نهایتاً تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و تولید ثروت، محسوب می‌گردد. در این بخش از مقاله با عنایت به این موضوع، به بررسی این موارد در قالب چهار محور ذیل خواهیم پرداخت:

۵ـ۱. مقررات ناظر بر گردش کار داخلی بانک‌ها؛

۵ـ۲. مجوزهای خارج از نظام بانکی؛

۵ـ۳. ضوابط اخذ وثیقه یا درآمد نقدی؛

۵ـ۴. ضوابط بررسی و ارزیابی طرح‌ها.

بررسی مقررات، حول هر یک از محورهای فوق، شامل دو بخش است: در بخش اول، با استفاده از معیارهایی که در مبانی نظری مقررات‌زدایی گفته شده، ضوابط اعطای تسهیلات و مشکلات موجود برای اعطای اعتبار بررسی می‌شود؛ و در بخش دوم، مشکلات عملی پیش‌روی متقاضیان دریافت اعتبار، با استفاده از نظرات آنان ـ که توسط پرسشنامه جمع‌آوری گردیده ـ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵ـ۱. مقررات ناظر بر گردش کار داخلی بانک‌ها

این مقررات شامل مواردی، نظیر: مسیر اعطای اعتبار، مدارک پرونده معاملاتی و اعتباری، نحوه ارزیابی، حد نصاب‌های اعطای تسهیلات و مقررات مربوط به عقود خاص می‌شود.

۵ـ۱ـ۱. مدارک پرونده معاملاتی و اعتباری

- مدارک نشان‌دهندهٔ مشخصات فردی و وضعیت مالی مشتریان.
- مدارکی که باید از خارج از سیستم بانکی اخذ شوند (انواع مجوزها).
- مدارکی که به منظور تضمین دریافت می‌شوند (انواع وثایق).
- مدارک پرونده معاملاتی (شامل: قرارداد معامله، اسناد شناسایی متقاضی، مشخصات موضوع مورد معامله و ...).

علاوه بر این، در مورد طرح‌ها نیز مدارکی نظیر: اسناد خرید ماشین‌آلات، تجهیزات و

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

نقشه‌های استقرار ماشین‌آلات، قراردادهای منعقده با پیمانکاران و... وجود دارند. به نظر می‌رسد که در مورد بسیاری از این مدارک، خلاء یک نظام اطلاعاتی منسجم که درکوتاه‌ترین زمان و با حداقل هزینه، بتواند اطلاعات لازم را در خصوص نوع فعالیت اقتصادی افراد ارائه کند، محسوس است. طبعاً، تشکیل و تکامل چنین نظامی می‌تواند به جهت ساده‌سازی مراحل اخذ وام و حجم مدارکی که مشتری ملزم به جمع‌آوری آن است، کمک شایان توجهی در شروع فعالیت‌های جدید داشته باشد.

۵ـ۱ـ۲. روند کلی اعطای اعتبارات

نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد که روند اعطای اعتبارات، دارای مراحل بسیار طولانی و پرهزینه می‌باشد. این نکته ما را به یک نتیجهٔ مهم رهنمون می‌سازد و آن این است که مالکیت دولتی بانک‌ها موجب گشته تا اعطای اعتبار به عنوان یک وظیفه اداری و نه روش برای کسب درآمد، در نظام بانکی شناخته شود. به این ترتیب، طولانی شدن زمان اخذ وام، هیچگاه مجموعهٔ تصمیم‌گیری و اجرای نظام بانکی را نگران کاهش درآمد و بازماندن از گردونهٔ رقابت بین بانکی نمی‌کند؛ زیرا اساساً چنین مقوله‌ای وجود ندارد.

۵ـ۱ـ۳. نحوه ارزیابی

در بسیاری از موارد، کارشناسان بانک باید برای قبول هزینه‌های انجام شده و یا تضمین ارزش وثایق، اقدام به ارزیابی کنند. آنچه مشاهده می‌شود، این است که معمولاً هزینه‌های قابل قبول بر مبنای قیمت تمام شده و ارزش وثایق نیز معمولاً کمتر از قیمت روز ارزیابی می‌شوند. در این گونه موارد، قوانین و مقررات به گونه‌ای است که ارزیاب تنها در چهارچوب اداری، مسئول ارزیابی خویش است و قاعدتاً ضرورتی برای پاسخگویی به مشتری حس نمی‌شود؛ هرچند که مشتری بارها و بارها به نتایج ارزیابی‌ها اعتراض کرده باشد. علت اصلی آن است که در این موارد، نظام اداری، قوانین مربوط را کاملاً محافظه‌کارانه اجرا می‌کند. به این ترتیب که اگر ارزیاب در ارزیابی خود، رقم را کمتر از حد اعلام کرده باشد؛ تخلفی متوجه وی نیست، ولی اگر عکس این حالت رخ دهد، متخلف شناخته می‌شود.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

نمودار (۱) چرخهٔ اعطای اعتبارات در نظام بانکی

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

۵ـ۱ـ۴. حد نصاب‌های اعطای تسهیلات

در بسیاری از موارد، حد نصاب‌های اعطای تسهیلات، با توجه به نوع شعبه (درجات ۱ تا ۴ ممتاز و مرکزی) تعیین می‌شود و کارآیی شعبه ملاک قرار نمی‌گیرد. به علاوه، معمولاً روند کار به گونه‌ای است که در مورد ارقام بزرگ اعتبارات، کار معمولاً به شعب و ادارات مرکزی واگذار می‌گردد و این واگذاری، ارجاعات، و مکاتبات، استهلاک زیادی را برای نظام بانکی و مشتریان ایجاد می‌کند.

۵ـ۱ـ۵. محدودیت‌های عقود

علاوه بر لزوم وجود مدارک خاص مربوط به هر یک از عقود، در بسیاری از بانک‌ها، اعطای وام عملاً محدود به دو یا چند عقد می‌شود که معمولاً عقود با بازدهی ثابت هستند. به این ترتیب که بانک‌ها عملاً از نرخ سود تضمین شده، به جای مشارکت استفاده می‌کنند و این امر صرفنظر از ایجاد محدودیت‌های اساسی برای بانک‌ها در اعمال مدیریت ریسک، منجر به انعطاف‌ناپذیری مقررات اعطای وام به مشتریان می‌شود؛ به گونه‌ای که هر مشتری مجبور می‌شود تا در قالب دو یا چند عقد معدود، وام دریافت کند.

۵ـ۱ـ۶. نظرات متقاضیان دریافت اعتبار پیرامون مشکلات گردش کار داخلی بانک‌ها

در این مرحله، مشکلات موجود در گردش کار داخلی بانک‌ها حول چهار محور طبقه‌بندی شد که به شرح زیر می‌باشند:

- بالا بودن حجم فرم‌ها و پرسشنامه‌هایی که لازم است برای اخذ وام، تکمیل شود.
- تکمیل فرم‌ها و پرسشنامه‌های یکسان در ادارات مختلف بانک.
- خارج بودن حجم وام درخواستی، از اختیار شعب و ارائه آن به مراجع بالاتر.
- واضح نبودن قوانین، به لحاظ بروز برداشت‌های متفاوت برای وام‌گیرندگان و سیستم بانکی.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

جدول (۱) ارزشیابی نظرات متقاضیان پیرامون نحوهٔ اولویت‌دهی به هر کدام از مشکلات موجود در گردش کار داخلی سیستم بانکی

(درصد)

مشخصه گردش کار داخلی بانک‌ها	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	اولویت چهارم	جمع
بالا بودن حجم فرم‌ها و پرسشنامه‌ها	۴۶	۴۶	۸	-	۱۰۰
وجود فرم‌های تکراری در ادارات بانک	۱۷	۳۳	۵۰	-	۱۰۰
محدودیت اختیار مدیران شعب	۵۶	۳۳	۱۱	-	۱۰۰
شفاف نبودن مقررات	۴۷	۲۷	-	۲۶	۱۰۰

جدول (۲) ضریب ارزش‌گذاری اولویت‌های مربوط به مشکلات موجود در گردش کار داخلی سیستم بانکی

وضعیت اولویت	ارزش
اولویت بسیار بالا	۱
اولویت متوسط (رو به بالا)	۰/۷۵
اولویت متوسط (رو به پایین)	۰/۵
اولویت پایین	۰/۲۵

ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که ۶۸ درصد از پاسخ دهندگان بالا بودن حجم فرم‌ها و پرسش‌نامه‌ها؛ ۳۲ درصد، تکمیل فرم‌ها و پرسش‌نامه‌های یکسان و تکراری؛ ۴۷ درصد، خارج بودن حجم وام درخواستی از اختیار شعب؛ و ۷۹ درصد، واضح و شفاف نبودن مقررات کنونی مربوط به اعطای تسهیلات، را از دلایل اصلی کُند شدن گردش کار داخلی سیستم بانکی در جهت اعطای اعتبارات عنوان نموده‌اند. همچنین، وزن‌دهی به اولویت‌های موجود در این مطالعه نشان می‌دهد که عدم‌شفافیت در قوانین و مقررات شبکه بانکی و همچنین، حجم بالای فرم‌ها و پرسشنامه‌های لازم برای اخذ وام با ضرایب اهمیتی، به ترتیب معادل: ۰/۵۸۳ و ۰/۵۷۵ به عنوان اولویت‌دارترین مشکلات از

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

نظر جامعه آماری ارزیابی گردیده‌اند و در مراتب بعدی، محدودیت اختیارات تصمیم‌گیری در شعب، و وجود فرم‌های متعدد و یکسان در ادارات مختلف بانک، با ضرایب اهمیتی به ترتیب معادل: ۰/۴۰۵ و ۰/۲۱۴ در مراتب بعدی قرار داشته‌اند.

۵ـ۲. مجوزهای خارج از نظام بانکی

مروری بر مدارکی که مشتریان نظام بانکی برای اخذ وام ملزم به ارائه آنها هستند نشان می‌دهد که این قبیل مدارک را می‌توان به ۲ دسته تقسیم کرد:

الف: مدارک لازم برای فعالیت (مواردی مانند: موافقتنامه اصولی یا مجوز تأسیس، پروانه بهره‌برداری، مجوز سازمان‌های مرتبط و ...) .

ب: گواهی‌های لازم برای به رهن گرفتن املاک (مواردی مانند: گواهی پایان کار، مفاصا حساب شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و...).

اصولاً، به نظر می‌رسد که اخذ این قبیل مدارک برای آن است که نظام بانکی مطمئن شود که مشتری همه اقدامات لازم برای فعالیت را انجام داده و فعالیت او از هر جهت «قانونی» است؛ در حالی که معمولاً نظام بانکی نباید متولی «قانونی» بودن یا نبودن فعالیت‌های اقتصادی باشد. تصور اولیه آن است که انباشت این حجم از مدارک در طول زمان، به دلیل نرخ سود پایین تسهیلات بانکی رخ داده است؛ و از آنجا که در واقع، دریافت اعتبار توأم با یارانه بوده است، اخذ این مدارک به نظام بانکی اطمینان می‌داده که اعتبار دریافت شده در همان مورد خاص مصرف شده است و دریافت کنندهٔ اعتبار، آن را صرفاً به منظور استفاده از مابه‌التفاوت نرخ آن با نرخ بازار استفاده نکرده است. به طور خلاصه، می‌توان گفت که عدم‌تسلط بازار و وجود موانع غیرتعرفه‌ای، نیاز به وضع مقررات جدید را به طور مداوم باز تولید می‌کند و این همان چیزی است که از آن به عنوان: «هم انباشتگی» مقررات یاد کردیم.

مروری بر نظریات متقاضیان دریافت اعتبار پیرامون مشکلات دریافت مجوزهای خارج از نظام بانکی، نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از جامعه مورد مطالعه، وجود این مجوزها ـ به طور مشخص: استعلام از وزارت امور اقتصادی و دارایی، بیمه و مجوز سازمان‌های مختلف ذی‌ربط ـ را به عنوان یکی از محدودیت‌های استفاده از تسهیلات شبکه بانکی برشمرده‌اند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

جدول (۳) تجزیه‌وتحلیل آثار وجود مجوزهای خارجی بر کُند شدن فرآیند اخذ تسهیلات بانکی

ردیف	نوع مجوزهای خارجی	درصد پاسخ‌دهندگان به این عامل، به عنوان یک عامل محدودکننده	متوسط زمان طی شده برای اخذ مجوز
۱	استعلام از دارایی	۴۰	تا یک ماه
۲	استعلام از بیمه	۵۳	حدود ۳/۵ ماه
۳	مجوز سازمان‌های مختلف	۷۳	حدود ۱۰ ماه

۵ـ۳. ضوابط مربوط به اخذ وثیقه یا آوردهٔ نقدی

وجود عوامل متعدد و ساختاری در نظام بانکی که تا به این مرحله مورد بحث قرار گرفت موجب گردیده است که عامل «وثیقه» به عنوان مهمترین شرط اعطای اعتبار در نظام بانکی به شمار آید. پیامدهای اخذ وثایق با شرایط سخت و محافظه‌کارانه را می‌توان حول دو محور عمده بررسی نمود:

اول آنکه، اخذ وثیقهٔ ملکی به عنوان وجه غالب وثایق قابل قبول، مشکلات خاص خود را دارد؛ زیرا هنگام تنظیم قرارداد رهن اموال منقول، استعلام‌ها، مفاصا حساب‌ها و گواهی‌های متعددی باید ارائه شود که زمان و هزینه زیادی را بر مشتریان تحمیل می‌کند.

دوم اینکه، «حداکثر ضریب ارزش وثایق» که عامل اصلی در تعیین سقف اعتباری مورد تقاضای مشتری است، هیچ ارتباطی با میزان سودآوری فعالیت اقتصادی مشتری و اقتصادی بودن آن ندارد. در عمل مشاهده می‌شود که به علت سیستم بوروکراتیک اداری، دستورالعمل‌های واحدی وجود دارد که طبق آن، حداکثر ضریب ارزش وثایق را، نوع وثیقه (ملکی یا غیرملکی) و در مورد وثایق ملکی نیز، نوع مالکیت (سند ششدانگ یا مشاع و...) تعیین می‌کند؛ و به این ترتیب، دستورالعمل‌ها هیچ تمایزی بین طرح‌های اقتصادی و غیراقتصادی در مورد وثیقه قابل قبول قائل نمی‌شوند.

۵ـ۳ـ۱. اعطای تسهیلات در قبال سایر تضمین‌ها

از آنجا که، به دلایل گفته شده، همواره اخذ وثیقه ملکی مدّ نظر بوده است؛ در بسیاری از موارد، اخذ وثیقه‌های غیرملکی معمولاً امری نادر است که در موارد خاص (مثلاً وام‌های بسیار کوچک و جزئی) مدّنظر قرار می‌گیرد. در مورد اخذ ضمانتنامه بانکی به عنوان وثیقه،

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

مشاهده می‌شود که علی‌رغم شرایط سخت‌گیرانه‌ای که برای صدور ضمانتنامه وجـود دارد، قبول ضمانتنامه نیز باید با مجوز اداره مرکزی باشد که معمولاً وقت‌گیر و درگیر چرخه‌های اداری است و عملاً ظرفیت بالایی جهت تضـمین در ایـن مـورد از بـین مـی‌رود. در مـورد پذیرش سهام نیز تنها معادل اسمی قیمت سهام مورد قبول قرار می‌گیرد، در حـالی کـه در بسیاری از موارد، بین قیمت اسمی و قیمت روز سهام شرکت‌های پذیرفته شـده در بـورس اختلافات فاحش وجود دارد؛ به این ترتیب که وجود این قبیل مقررات باعـث مـی‌شـود تـا استفاده از سهام به عنوان وثیقه، دچار محـدودیت‌هـای جـدی باشـد. بـه عـلاوه، ملاحظـه می‌شود که معمولاً در ارزیابی تأسیسات، ماشین‌آلات، وسایل کار و وسـایل نقلیـه، چـه بـه عنوان آوردهٔ نقدی و چه به عنوان وثیقه، معمولاً قیمت تمام شده واقعی مـلاک عمـل قـرار می‌گیرد؛ که با توجه به وجود تورم شدید در دههٔ اخیر، قسمت زیادی از ارزش ایـن مـوارد نادیده گرفته می‌شود و اعطای وام را با محدودیت مواجه می‌سازد.

۵ـ۳ـ۲. نظرات متقاضیان دریافت اعتبار پیرامون مشکلات ضوابط اخذ وثیقه یـا آورده نقدی

بررسی اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌های تکمیلی نشان می‌دهد که ۷۰ درصـد جامعـه مورد مطالعه، از این عامل به عنوان یکی از موانع دسترسی به تسهیلات سیستم بانکی یـاد کرده‌اند. بررسی جزئی نتایج پرسشنامه‌ها حاکی از آن است که پایین بودن ضـریب اِعمـال وثیقه، به عنوان مهمترین عامل محدودکنندهٔ اعطای اعتبار معرفی شده است و در رتبه‌های بعدی، عواملی نظیر: ارزیابی کمتر از حد ارزش وثـایق، تعیـین نسـبت بسـیار بـالای آورده نقدی برای سرمایه‌گذاران از طرف بانک، و الزام به سپردن وثایق ملکی قرار دارند. [جـدول شماره(۴)].

جدول (۴) انواع مشکلات در گروه «ضوابط اخذ وثیقه یا آورده نقدی» و اهمیت هر یک

ردیف	عنوان	ضریب اهمیت (درصد)
۱	پایین بودن ضریب اعمال وثیقه	۴۲
۲	ارزیابی وثیقه به میزان کمتر از ارزش واقعی روز	۲۸/۵
۳	بالا بودن آورده نقدی مورد نیاز، نسبت به وام درخواستی	۲۸/۵
۴	الزام به سپردن وثیقه ملکی (اعم از وثایق مورد عمل یا خارج از طرح)	۲۸/۵
۵	بالا بودن نسبت وثیقه ملکی به کل وثایق مورد درخواست	۷
۶	بالا بودن هزینه ترهین و بیمه املاک (در مورد وثایق ملکی)	۷
۷	محدود بودن امکان تبدیل وثایق	۷

مأخذ: محاسبات مجریان پروژه.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

ارزیابی نظرات متقاضیان، نشان می‌دهد که استراتژی مورد عمل در نظام بانکی پیرامون اعطای تسهیلات، به جای تأکید بر سودآوری، صرفاً به سوخت نشدن مطالبات متکی است و دستورالعمل‌های یکسان و محتاطانه اخذ وثایق و ضرایب اعمال آنها نیز بیانگر همین امر می‌باشد.

۵ـ۴. ضوابط بررسی و ارزیابی طرح‌ها

بررسی اقتصادی طرح‌ها نیز مشکلات مقرراتی خاص خود را دارا است. یکی از این مشکلات، گردش طولانی طرح‌ها در نظام اداری بانک‌ها می‌باشد؛ به گونه‌ای که تصمیم‌گیری نهایی در اکثر موارد به عهده اداره مرکزی است. با این حال، چرخهٔ شعب، سرپرستی‌ها و اداره مرکزی کماکان ادامه دارد و این امر، جز اتلاف وقت و ایجاد هزینه برای متقاضیان، نتیجه دیگری ندارد. از سوی دیگر، ملاک‌های ارزیابی طرح‌ها بسیار ناقص است؛ مثلاً، در ارزیابی فنی به هیچ وجه امکان‌پذیری فنی طرح، ملاک عمل نیست؛ بلکه مدارک و مجوزهایی که نشان‌دهندهٔ قانونی بودن طرح هستند (مجوزهای تولید، موافقت اصولی، مجوز محیط زیست، وزارت بهداشت و...) ملاک عمل می‌باشند. در ارزیابی اقتصادی طرح‌ها نیز، نقطه سربه‌سر، ارزش افزودهٔ داخلی، اشتغال‌زایی، درجه وابستگی و صرفه‌جویی ارزی، مدّنظر هستند که عملاً به بررسی‌های مالی محدود می‌شود. در حالی که، قوانین و مقررات باید به گونه‌ای وضع شوند که در ارزیابی اقتصادی، مواردی مانند: نرخ بازده داخلی و ارزش فعلی طرح، ملاک قرار گیرند. به این ترتیب، عملاً ملاحظه می‌شود که بسیاری از طرح‌های فاقد توجیه اقتصادی، به صِرف داشتن وثیقه معتبر و گردش مالی مناسب در سال‌های اولیه، وام دریافت می‌کنند.

۵ـ۴ـ۱. نظرات متقاضیان اعتبارات، پیرامون مشکلات بررسی‌های: فنی، مالی و اقتصادی

ارزیابی نقطه‌نظرات جمعیت مورد بررسی نشان می‌دهد که ۹۳/۷۵ درصد از افراد مورد بررسی، طولانی بودن زمان ارزیابی‌ها را مشکل‌آفرین بیان نموده‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که متوسط زمان ارزیابی اقتصادی فنی یک طرح، تقریباً ۴ ماه و۱۱ روز به طول می‌انجامد که این مسأله، خود می‌تواند تأکیدی بر وجود مقررات دست‌وپاگیر اداری و یا ضعف توان کارشناسی در نظام بانکی کشور باشد. از طرف دیگر، ۶۲/۵ درصد از

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

پاسخ‌دهندگان، سخت‌گیرانه و انعطاف‌ناپذیر بودن ارزیابی‌ها را به عنوان یکی از مشکلات اساسی ارزیابی طرح‌ها برشمرده‌اند. از میان این گروه، قریب ۷۰ درصد، عملکرد محتاطانه کارشناسان نظام بانکی و نگرش منفی آنان به طرح‌ها را به عنوان مشکل اصلی معرفی نموده‌اند. ۲۰ درصد از این افراد، ضوابط و معیارهای ارزیابی را به عنوان عامل اصلی مشکل‌آفرین برشمرده‌اند و ۱۰ درصد مابقی نیز عدم‌آشنایی کارشناسان نظام بانکی با فنّاوری‌های روز را به عنوان عامل بروز این مشکل معرفی نموده‌اند.

۵ـ۴ـ۲. جمع‌بندی کلی نظرات متقاضیان دریافت اعتبار پیرامون موانع عملی دریافت اعتبار

بررسی متوسط زمان وصول اعتبارات متوسط متقاضیان از شبکه بانکی، نشان می‌دهد که متوسط زمان مورد نظر از تاریخ ارائه درخواست تا زمان دریافت اولین قسط وام (اگر پرداخت وام به صورت قسطی انجام گرفته باشد) تقریباً ۱۱ ماه بوده است. اما نکته جالب توجه آن است که زمان لازم برای اخذ مجوزهای خارج از نظام بانکی، از حدود ۳ یا ۴ ماه قبل از ارائه درخواست، آغاز می‌شود و تا ۳ ماه بعد ادامه می‌یابد.

بررسی نحوه اولویت‌دهی متقاضیان دریافت اعتبار به هر گروه از مشکلات اصلی و وزن‌دهی به این اولویت‌ها، می‌تواند شاخص‌هایی را برای مقایسه نظرات متقاضیان فراهم کند. نتایج نشان می‌دهد که ضوابط اخذ وثیقه و یا آوردهٔ نقدی با ضریب اهمیتی معادل ۰/۷۲۵، به عنوان مهمترین عامل محدودکننده دریافت اعتبار توسط متقاضیان برآورد گردیده است. بعد از این عامل، نیاز به اخذ مجوزهای خارج از نظام بانکی با ضریب اهمیتی معادل ۰/۶۵، به عنوان دومین عامل محدودکننده و در انتها، وضعیت گردش کار داخلی بانک‌ها و سازوکار و نحوهٔ بررسی‌های فنی، مالی و اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری، هر یک با ضریب اهمیت ۰/۵۶۲، از دیگر عوامل محدودکنندهٔ استفاده از تسهیلات سیستم بانکی کشور بوده‌اند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

نمودار (۲) نمودار زمانی مراحل اخذ اعتبارات

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

جدول (۵) ارزشیابی نظرات متقاضیان، پیرامون نحوه اولویت‌دهی به هر گروه از مشکلات اصلی

مشکلات اصلی / اولویت‌ها	ضوابط اخذ وثیقه یا آوردهٔ نقدی	مجوزهای خارج از نظام بانکی	گردش کار داخلی بانک‌ها	ضوابط بررسی‌های فنی ـ مالی و اقتصادی	جمع
بالاترین اولویت (۴)	٪۳۵	٪۲۵	٪۲۰	٪۲۰	۱
اولویت متوسط رو به بالا (۳)	٪۴۰	٪۲۵	٪۱۵	٪۲۰	۱
اولویت متوسط رو به پایین (۲)	٪۵	٪۳۵	٪۳۵	٪۲۵	۱
پایین‌ترین اولویت (۱)	٪۲۰	٪۱۵	٪۳۰	٪۳۵	۱
جمع	۱	۱	۱	۱	-

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با مروری بر بخش‌های مختلف مقاله، می‌توان نتایج کلی زیر را ارائه نمود:

- از آنجا که وضع مقررات، هزینه‌های مشهود و نامشهود زیادی را بر افراد، گروه‌ها و جامعه تحمیل می‌سازد؛ و به علاوه، محاسبه هزینه‌ها و منافع وضع مقررات، کار دشواری است؛ باید حتی‌الامکان سعی شود تا از وضع مقررات جدید اجتناب گردد و تمامی هزینه‌ها و پیامدهای مثبت و منفی قانونی، حتی‌الامکان قبل از اجرا، محاسبه و ارزیابی شود. به علاوه، حذف یا تعدیل مقررات زائد نیز باید همواره با نظارت انجام شود. در عین حال که نظارت، توأم با وضع مقررات دیگری نباشد.
- تجربیات برخی کشورها در مقاطع زمانی خاص، حکایت از عدم موفقیت برنامه‌های مقررات‌زدایی مالی دارد؛ که از مهمترین علل آن، می‌توان به نبود هماهنگی و تعامل مقررات‌زدایی با سایر اجزای اصلاحات مالی و فقدان نظارت صحیح در فرآیند مقررات‌زدایی اشاره کرد. شواهد نشان می‌دهد که مقررات‌زدایی باید حول محور افزایش کارآیی و رقابت بین بانکی و نیز تغییر ساختار بازار، به نحوی که برای مشتریان دامنهٔ انتخاب بیشتری فراهم کند، صورت گیرد.
- مقررات‌زدایی تنها به عنوان یکی از محورهای انجام اصلاحات ساختاری در

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

نظام بانکی کشور مطرح است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مشکلات ساختاری نظام بانکی، یکی از علل اساسی شکل‌گیری چهارچوب مقرراتی ناکارا و نامناسب است.

- مطالعه نشان می‌دهد که بسیاری از محدودیت‌های اعمال شده بر منابع اعطای اعتبار و تخصیص اعتبار بانک‌ها، منجر به شکل‌گیری یک چهارچوب مقرراتی شده است که تنها به «سوخت نشدن مطالبات» تأکید دارد و نه دستیابی به «ریسک و بازدهی بهینه»؛ و لذا، شبکه بانکی کشور در فعالیت‌های خود سعی می‌کند تا از هرگونه ریسکی اجتناب نماید و این موضوع به خوبی در دستورالعمل‌های مربوط به چهار محور مقرراتی پیش گفته، دیده می‌شود.

با توجه به مورد فوق و با در نظر گرفتن این نکته که موفقیت پیشنهاداتی که در اینجا ارائه می‌شود، مرتبط با اجرای سایر محورهای اصلاحات در نظام بانکی (آزادسازی و خصوصی‌سازی) است؛ می‌توان محورهای کلی زیر را به عنوان پیشنهادات ارائه نمود:

- اصلاح ساختار قوانین و دستورالعمل‌ها ـ بخصوص در موارد مربوط به ضریب ارزش‌گذاری وثایق و نرخ سود تسهیلات ـ به گونه‌ای که بین مشتریان تبعیض قائل شود؛ که در نهایت منجر به رتبه‌بندی ریسک اعتباری خواهد شد.
- توسعه و تجهیز یک نظام جامع اطلاعاتی، می‌تواند بسیاری از هزینه‌ها و مشکلات اداری سازمان‌های مختلف را که در فرآیند اخذ وام بر مشتریان تحمیل می‌شود، مرتفع نماید.
- گسترش دامنه فعالیت بانک‌ها در زمینه‌هایی مثل: بیمه، املاک و... که می‌تواند مدیریت پرتفوی آنها را بهبود بخشد و بسیاری از محدودیت‌های قانونی به‌کارگیری دو یا چند عقد خاص (عقود با بازدهی ثابت نظیر: فروش اقساطی و...) را کاهش دهد.
- اداره خصوصی بانک‌ها می‌تواند بسیاری از مدارک و مستندات لازم برای پرونده‌های اعتباری را کاهش داده و چرخه‌های اداری برای تصمیم‌گیری در مورد وام‌ها را کوتاه‌تر سازد؛ و به علاوه، ارزیابی وثایق، هزینه‌ها و آورده‌های نقدی و غیرنقدی را به قیمت روز انجام دهد و حدنصاب‌های تصمیم‌گیری را مرتبط با نیازهای مشتریان گرداند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

- ❖ گسترش بازار بین بانکی و هماهنگی با نظام قضایی کشور، که می‌تواند استفاده از بسیاری از وثایق جایگزین، نظیر ضمانتنامه‌های بانکی، را توسعه دهد.
- ❖ استفاده از ضوابط اقتصادی و فنی به جای ملاک قرار دادن معیارهای حسابداری و صورت‌های مالی و اصلاح قوانین مرتبط.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

منابع و مآخذ

ـ فارسی

۱- احمدی، سیدوحید. (۱۳۸۷). *بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های فضای کسب و کار در ایران و جهان*. تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲- حسن‌زاده، علی و جوادی‌پور، سعید. (۱۳۸۲). *مقررات‌زدایی در نظام بانکی: مطالعه موردی اعطای تسهیلات*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۳- رسول اف، جلال.(۱۳۷۹). مقررات‌زدایی و تجدید ساختار نظام بانکی کشور با هدف افزایش کارآیی آن و کمک به سرمایه‌گذاری، اشتغال و توسعه. *مجموعه مقالات دهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی. (صفحات ۴۷۰-۴۴۳). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.*

۴- میدری، احمد و قودجانی، اصلان. (۱۳۸۷). *سنجش و بهبود محیط کسب‌وکار*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد تهران.

ـ انگلیسی:

1- Barth, R. James Caprio, Gerard & Levin, Ross. (2001). The Regulation and Supervision of Banks Around the World. *World Bank Policy Research Working Paper Series*, 2488. From http://www.world Bank.org

2- Denizer, Cevedet & Et al. (1997). *The Effects of Financial Liberalization and New Bank Entry on Market Structure and Competition in Turkey*, from http://www.world bank.org/html/dec/publications/workpapers/wps/800series/wps1839/wps1839.pdf.

3- Douglas, Evanoff, D. (1999). Assessing the Impact of Regulation on Bank Cost Efficiency. *Federal Reserve Bank of Chicago*.from http://www.chicagofed.Org/publications/economicperspectives/1998/ep2Q98-20.pdf.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

4- Edwards, Sebastian. (1988). Financial Deregulation and Segmented Capital Markets: The Case of Korea. *World Development*, 16, (1).

5- Guasch, J.Lis, & Spiller, Pobb. (1996). *Managing the Regulatory Proccess: Design, Concepts, Issues & the Latin American & Caribben Story*.Washington D.C. World Bank Publication.

6- Jayaraten, Jith & Strahan, E. Philip.(1998). The Finance – Growth Nexus: Evidence from Bank Branch Deregulation. *Quarterly Journal of Economics*, 111 (6) .

7- Khan, S. Mohsin & Sundaravajan.V.(1999). Financial Sector Reforms and Monetary Policy. *IMF Working Paper*, 127.

8- Patrick, J. raine & Leathers, G. Charls. (1995). Veblen's Theory of Institutional Change: An Explanation of Deregulation of Japanese Financial Markets. *American Journal of Economics & Sociology*, 54 (3) .

9- Vives, Xavier.(1990). Deregulation and Competition in Spanish Banking. *European Economic Review*, 34 (213).

10- World Bank. (2007). Doing business 2008. *Getting Credit*. Washington, D.C.: World Bank.

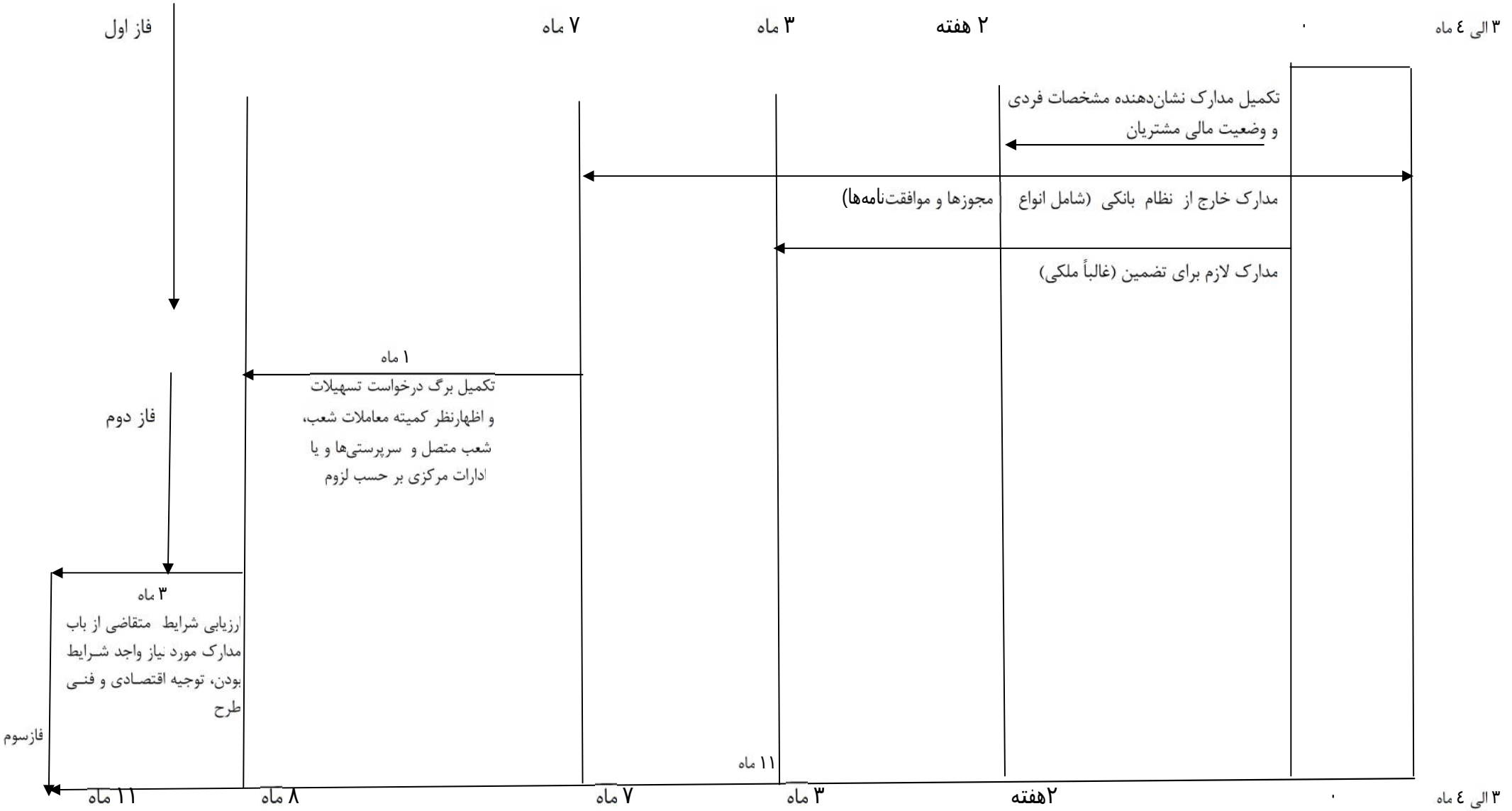
11- World Bank. (2009). Doing Business 2009: Country Profile for Iran. *Working paper*, 45813.

12- World Bank. (2008). *Doing business 2009: Regulatory Reform Speeds up in Middle East and North Africa*. Washington, D. C.: World Bank.

13- World Bank. (2009). *Doing Business 2009: Sri Lanka is South Asia's Leading Reformer of Business Regulation; India speeds Trade.* Washington, D. C.: World Bank.

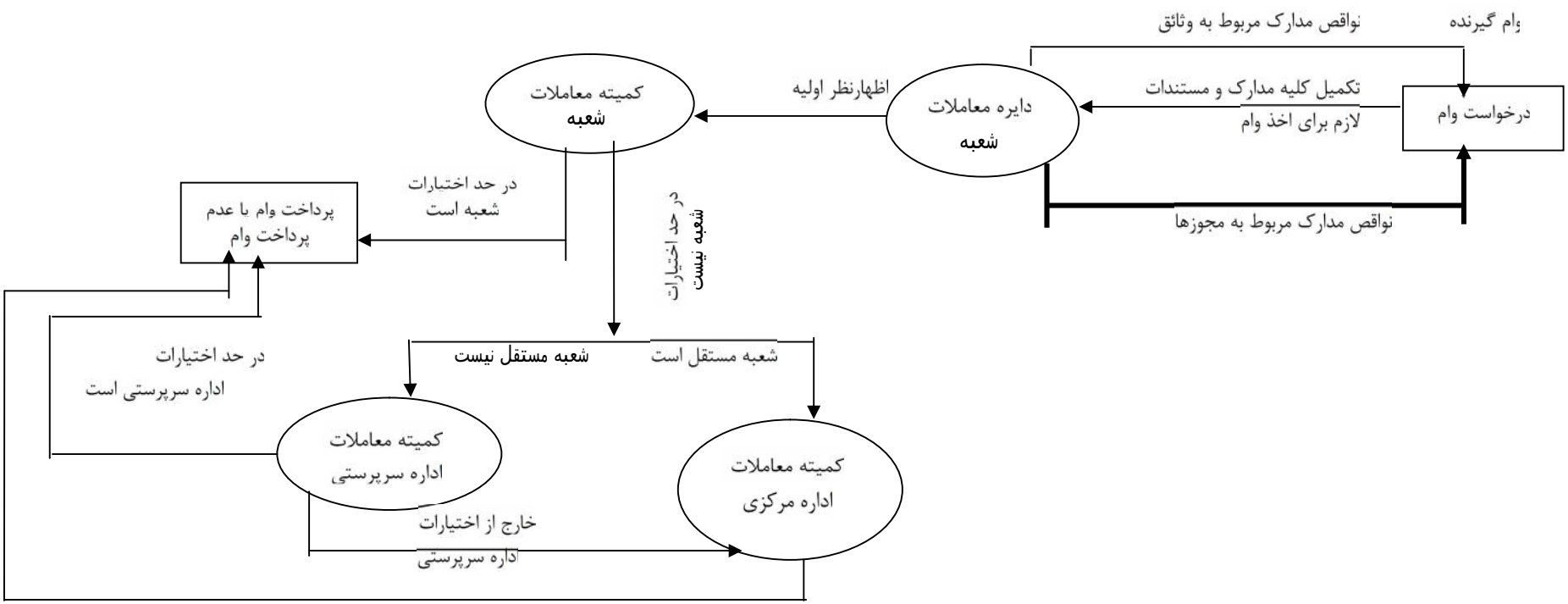
14- World Bank. (2009). *Doing business 2008. Getting Credit*. Washington, D. C.: World Bank.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]



همان‌طور که دیده می‌شود؛ قسمت اعظمی از این بازهٔ زمانی صرف اخذ مجوزهای خارج از نظام بانکی می‌شود که این زمان (۱۰ ماه) به طور متوسط از ۳ یا ٤ ماه قبل از اعطای تسهیلات آغاز می‌گردد (زمان‌های قید شده از نتایج پرسشنامه‌ها استخراج شده است).

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]



[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]